

# حکومت اسلامی و حکم حجاب

داود مهدوی زادگان

www.ketab.ir



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۰

سرشناسه : مهدوی زادگان، دلوود، ۱۳۳۲ -  
عنوان و نام پدیدآور : حکومت اسلامی و حکم حجاب/ دلوود مهدوی زادگان.  
مشخصات نشر : تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.  
مشخصات ظاهری : ۱۶۹ ص.  
شابک : 978-964-426-543-3  
یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۵۳.  
موضوع : حجاب اسلامی -- ایران  
موضوع : علوم سیاسی (فقه)  
شناسه افزوده : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ ج ۸/ ۸۷۲۶ م/ ۱۷/ BP۲۲۰  
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۳۶  
شماره کتابشناسی ملی : ۲۵۱۷۶۵۸



## حکومت اسلامی و حکم حجاب

مؤلف: دلوود مهدوی زادگان  
ویراستار: مهرنوش اکبر خانزاده  
ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیر نشر: باسحر زعفرانچی  
ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع  
امور فنی: عرفان بهار دوست  
نسخه پرداز: فرزانه صادقیان  
حروفنگار و صفحه‌آرا: عطالله کاویانی  
طرح و اجرای جلد: عطالله کاویانی  
چاپ اول: ۱۳۹۰  
تیراژ: ۵۰۰ نسخه  
چاپ و صحافی: نشر قام  
ردیف انتشار: ۹۰-۶۴  
بها: ۶۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

ISBN 978-964-426-543-3

شابک ۳-۵۴۳-۴۲۶-۹۶۴-۹۷۸

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵۶۴۱۹، تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۴۶۸۹۱۳، فاکس: ۸۸۰۲۶۳۱۷

## فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۱	بخش اول:
۱۱	فلسفه سیاسی الزام
۱۳	فراگیری الزام
۱۴	مقتضی الزام
۱۵	دلالت مفهومی حکومت بر الزام
۱۸	مشروعیت الزام
۱۹	قلمرو الزام حکومت
۲۵	الف. الزام و اجبار در دین
۳۱	ب. الزام حکومتی در دینداری
۴۰	ج. حکومت دینی و سعادت اخروی
۴۴	نتیجه‌گیری
۴۶	بخش دوم:
۴۶	مسئله الزام حکومتی حجاب
۵۱	۱. حفظ نظام اسلامی
۵۷	۲. امنیت
۶۸	۳. دفع مفسده و جذب مصلحت
۷۵	بخش سوم:
۷۵	نقد دیدگاه مخالف
۷۸	۱. الزام حکومتی در عبادات
۷۹	۲. الزام حکومت در احکام فردی
۸۷	۳. الزام حکومت در حوزه خصوصی
۹۰	۴. تحدید قلمرو امر به معروف و نهی از منکر
۱۱۹	۵. تردید در تعزیر

---

۱۳۲	.....	خام‌اندیشی واقعیت
۱۳۶	.....	۶. وارونه دیدن تجربه موفق
۱۴۳	.....	۷. وجه تحدید کننده الزام حکومتی حجاب
۱۵۵	.....	سخن آخر
۱۶۴	.....	کتابنامه

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

## مقدمه

پیرامون موضوع حجاب و پوشش زنان پرسش و مسایل مختلفی طرح می‌شود. از این میان، چگونگی مواجهه حکومت با موضوع حجاب، مسئله مهم و بحث برانگیزی است. آیا حکومت می‌تواند زنان را ملزم به رعایت حجاب نماید؟ آیا توجیهی از سوی حکومت برای الزام مردم به حفظ حجاب و پوشش متصور است؟ یا آنکه چنین الزام حکومتی اساساً مردود است و هیچ عنوان و دلیلی که حکومت با تکیه بر آن بتواند مردم را به رعایت حجاب الزام کند، وجود ندارد. البته همان‌گونه که این مسئله در باب حجاب مطرح است، برای نقطه مقابل آن (بی‌حجابی) نیز مطرح است. زیرا تقابل این دو (حجاب و بی‌حجابی) از سنخ تقابل «عدم و ملکه» است. در این نوع تقابل وجود یکی به معنای عدم و نبود دیگری است. موضوع یک چیز است و حکم بود و نبود بر آن حمل شده است. بحث بر سر وجود حجاب و عدم حجاب است. تقابل از نوع تضاد نیست تا دو موضوع مستقل - مانند آب و آتش - در کار باشد. در امور متضاد، پرسشی که برای یکی طرح می‌شود، لزوماً برای دیگری طرح نمی‌شود. به خلاف تقابل عدم و ملکه که هرگونه پرسشی و حکمی که برای یک طرف از دو امر مقابل طرح شود - به دلیل اتحاد موضوع - برای طرف دیگر نیز قابل

طرح است. چنان‌که بحث الزام حکومت به وجود حجاب پرسش برانگیز باشد، برای عدم آن نیز مطرح است. چنین نیست که طرفداران الزام حکومت بر بی‌حجابی و کشف حجاب، خود را از چنین پرسشی مصون بدانند.

مسئله الزام حکومت به موضوعی مانند حجاب، در تحلیل عام، دربردارنده دو پرسش اساسی است. یک پرسش عام و کلی است و پرسش دیگر، صغروی است. در پرسش اول، قطع نظر از هر موضوع خاصی، مسئله الزام حکومت مورد بحث می‌شود. از درستی نفس الزام حکومت بحث می‌شود. آیا اساساً حکومت مجاز به الزام فرد و جامعه به انجام یا ترک هر امری می‌باشد یا خیر. اما در پرسش صغروی، با فرض درستی الزام حکومت، سخن در درستی تعلق چنین حکمی به موضوعات خاص است. پرسش اول از آن حیث که کلی است، مربوط به فلسفه سیاسی است. در کنار توجیه عقلانی (پاسخ‌های عقلی) به مسئله عمومی الزام حکومت، پاسخ‌های دینی یا توجیه دینی مطرح است. به‌ویژه آنکه حکومت دینی با چنین مسئله‌ای مواجه باشد. آیا از منظر شارع مقدس، حاکم اسلامی می‌تواند مردم را به انجام یا ترک هر امری الزام نماید یا هیچ مستند دینی برای چنین الزامی وجود ندارد. اما پرسش صغروی، مصداقی است؛ یعنی، از آن حیث که مسئله عام و کلی الزام حکومت بر موضوعی خاص و معین تعلق یافته است؛ پرسش مصداقی و جزئی می‌شود. پژوهشگر باید با تأمل و تدبیر در منابع اصلی اجتهاد نموده حکم چگونگی الزام حکومت به موضوع خاص را روشن نماید.

بدیهی است که اگر پاسخ به پرسش اول (کیروی) منفی باشد؛ پاسخ پرسش دوم نیز معلوم می‌گردد. نمی‌توان از طرفی گفت که هرگونه الزام حکومتی به دلیل عقلی و دینی ممنوع است، و از سوی دیگر، الزام حکومت به فلان موضوع خاص مشروع دانست. مگر آنکه الزام حکومت به این موضوع خاص

استثنایی تلقی شود. در آن صورت، باید توجیه روشنی برای چنین استثنایی ارایه کرد. بنابراین، در پاسخ به پرسش اول، روشن می‌گردد که اصل و عموم دلیل عقلی و شرعی بر الزام یا عدم الزام حکومت است. اگر در موضوعی خاص (پرسش دوم) به پاسخی خلاف آن اصل کلی یا حکم عام دست یافتیم، باید برای حکم خاص دلایل عقلی و شرعی محکمی اقامه کرد؛ زیرا حکم عام پیش‌تر استحکام عقلی و شرعی یافته است و این حکم خاص است که باید برای استثنای خود از زیر حکم عام دلیل محکم اقامه نماید. بر این اساس، بحث را در دو بخش پی خواهیم گرفت. در بخش اول - هر چند به اجمال - استنباط حکم کلی و عام به دست می‌آید؛ و در بخش دوم، حکم خاص الزام حکومت بر رعایت حجاب از سوی مردم، روشن می‌شود.